



طائفه چهارم): روایت دال بر کراهت جلوس فی مکان الاجنبیه حتی یبرد:

استدلال به این روایات چنین است که «یستدل بفحواها علی حرمة التشییب بالاجنبیه بأنها اقوی منها فی الماک»:»

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ - فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا رَجُلٌ حَتَّى يَبْرُدَ. وَ

رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا إِلَّا أَنَّهُ قَالَ - فَلَا يَجْلِسُ أَحَدٌ فِي مَجْلِسِهَا حَتَّى يَبْرُدَ.»<sup>۱</sup>

۲. همین مضمون در روایت مفصل شیخ صدوق در خصال آمده است، در آنجا از امام باقر نقل می کند:

«... و اذا قامت المرأة من مجلسها فلا يجوز للرجل أن يجلس فيه حتى يبرد...»<sup>۲</sup>

ما می گوئیم:

درباره این طائفه و طائفه های بعد، در پایان بحث سخن خواهیم گفت:

طائفه پنجم): روایات دال بر رجحان تستر زنان از زنان اهل ذمه

۱) «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكُشِفَ - بَيْنَ

يَدَيْ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ - فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ.»<sup>۳</sup>

طائفه ششم): روایات دال بر رجحان تستر زنان از صبی ممیّر

«وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الصَّبِيِّ - يَحْجُمُ الْمَرْأَةَ قَالَ إِذَا كَانَ يُحْسِنُ يَصِفُ فَلَا.»<sup>۴</sup>

ما می گوئیم:

بر استدلال بر این روایات اشکال شده است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، باب ۱۴۵، ص ۲۴۸.

۲. خصال، ص ۵۸۵. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۲۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۸۴.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۰، باب ۱۳۰، ص ۲۳۳.

## اشکال اول

«الاستدلال بکراهة بعض الأمور على حرمة أمر آخر عجيب غير معهود حتى على القول بالقياس، مضافا

إلى عدم وضوح كون الملاك لكراهة الأمور المذكورة تهيج الشهوة.»<sup>۱</sup>

همین مطلب را مرحوم خوئی مطرح کرده است ایشان اضافه نموده است:

«و قد تقدم نظير ذلك من المصنف في البحث عن حرمة إلقاء الغير في الحرام الواقعي، حيث استدل على

الحرمة بکراهة إطعام النجس للبهيمة.

على أن رجحان التستر عن نساء أهل الذمة إنما هو لثلا يطلعن رجالهن على محاسن نساء المسلمين، و

رجحان التستر عن الصبي المميز إنما هو لكونه ممیزا في نفسه، كما يظهر من الرواية الدالة على ذلك.»<sup>۲</sup>

ما می گوئیم:

۱. اینکه ملاک را «توصیف کردن برای مردان کافر» دانسته‌اند، ضرری به استدلال نمی‌زند، چراکه همین

ملاک در تشبیب وجود دارد.\*

۲. مرحوم سید درباره «توصیف برای مردان کافر» می‌نویسد:

«و أمّا رجحان التستر عن نساء أهل الذمة فلخصوصية فيه، و لذا لا يكون كذلك بالنسبة إلى نساء

المسلمين مع أنّهن يصفن لأزواجهنّ، و التستر عن الصبي المميّز مستحب من حيث إنّهُ ممیز لا من كونه

واصفا، فيكون الوصف كناية عن كونه ممیزا.»<sup>۳</sup>

### دلیل هشتم): فحوای آیات

مرحوم شیخ با اشاره به ۲ آیه شریفه، از فحوای آنها حرمت تشبیب را استفاده کرده است:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا

مَعْرُوفًا.»<sup>۴</sup>

۱. دراسات في المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۳۴.

۲. مصباح الفقاهة (المكاسب)، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. حاشیه المكاسب، ص ۱۷.

۴. سوره احزاب: ۳۲.





«ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای

هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید.»

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»<sup>۱</sup>

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نگویند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

در دفاع از استدلال به آیه سوره نور گفته شده است:

«استیناس کون المنع فی الآیة بلحاظ کونه مهیجا غیر بعید کما لا یبعد إسرائه إلی التشبیب بهنّ بهذا

الملاک.»<sup>۲</sup>

ما می‌گوئیم: بر استدلال فوق اشکالاتی مطرح شده است:

اشکال اول) درباره آیه سوره احزاب گفته شده:

«یستفاد من هذه الآیة اختصاص نساء النبی صلی الله علیه و آله- بلحاظ احترامه الخاص- بلزوم

الاحتفاظ، فلا یستفاد منها لزوم الاحتفاظ علی غیرهنّ فضلا عن أن یستفاد منها حرمة التشبیب بهنّ. نعم

یستأنس منها رجحان احتفاظهن و کراهة التشبیب بهنّ، فتدبر.»<sup>۳</sup>

۱. سوره نور: ۳۱.

۲. دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۳۵.

۳. دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۳۵.

اشکال دوم) مرحوم خویی می‌نویسد:

«أنه لا دلالة في شيء من ذلك على حرمة التشبيب، كما لا دلالة عليها في حرمة التعريض بالخطبة لذات البعل و لذات العدة الرجعية، و التعريض هو الإتيان بلفظ يحتمل الرغبة في النكاح مع كونه ظاهراً في النكاح، كأن يقول: رب راغب فيك، و حريص عليك، أو اني راغب فيك، أو أنت على كريمة، أو عزيزة، أو إن الله لسائق إليك خيراً، أو رزقا، أو نحو ذلك.»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

درباره اینکه آیا جایز است از زنی که قصد ازدواجش را داریم خواستگاری کنیم، به آیه شریفه:

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَغْزِمُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ.»

و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زانی که همسرانشان مرده‌اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می‌دانست شما به یاد آنها خواهید افتاد؛ (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست؛) ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده‌ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال، اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده آنها سرآید؛ و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی‌کند).

استناد شده و گفته شده است:

«و ورد عن الصادق عليه السلام في تفسير القول المعروف: «يلقاها فيقول: إني فيك لراغب و إني للنساء لمكرم.» و فيه دلالة على جواز قول هذه الجملة للمعتدة، و أمّا حرمة قولها لذات البعل فلم أعتد عاجلاً على رواية فيها، فتتبع.»<sup>۲</sup>

۱. مصباح الفقاهة (المكاسب)، ج ۱، ص ۲۱۹.\*

۲. دراسات في المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۳۵.



## جمع بندی ادله:

۱. از مجموع ادله می توان چنین استفاده کرد که تشبیب بما هوهو حرام نیست، بلکه اگر باعث پدید آمدن عنوان حرام دیگری شود، حرام خواهد بود، توجه شود که تشبیب مرأه معینة معروفه ملازمه ای با هیچکدام از عناوین حرام ندارد.

مرحوم سید یزدی نیز چنین جمع بندی دارند:

«ثم إن التحقيق عدم كون التشبيب من حيث هو محرماً من المحرمات لعدم الدليل عليه بعنوانه و عدم كونه ملازماً لعنوان من العناوين المحرمة نعم لو اتحد مع عنوان محرّم حرم من تلك الجهة كما في كلّ مباح كان كذلك.»<sup>۱</sup>



۱. حاشیة المكاسب (للنیزدی)، ج ۱، ص ۱۷.